

خطابه ذیل را منیژه خانم در دبیرستان  
انائیه امریکائی قرائت کرده اند

## زُن در نظر فردوسی

خانمها و آقایان محترم:

تردیدى نیست که بزرگترین شاعر ملی ما میان صفات بزرگیکه داشته است بیگ صفت خاص بر تمام شعرای عالم امتیاز دارد و آن منتهای شرم و عفاف اوست باجرات تمام میتوان گفت که هیچیک از شعرای جهان مانند وی بعفت پهای بست نبوده اند اغاب زنانی که وی در شاهنامه وصف نموده مخصوصاً دارای خصایل بزرگ بشری که ممکن است در زن فراهم آید جاوه داده شده اند حکایات معروفیکه در حق رودابه مادر رستم، گرد آفرید هم نبرد دلاور سهراب کتابون دختر قیصر رم منبشه مظهر باک عشق و عفت و روشنگ همسر اسکندر نمونه زن ایرانی دارد همیشه بهترین سرمشق برای مادران و دختران است هر گاه فردوسی زنی را وصف کرده نخست با منتهای عفاف از او نام برده و آن زن را مظهر نزهت و صفا شمرده و مقامی شبیه بمقام فرشتگان و خداوندان قدیم در حق وی قائل شده است و صفات بزرگ بشری مانند راستگوئی دلاوری همت و پرستش خاندان و دیار برای وی آورده است در سراسر شاهنامه از این نکات بر جسته موجود است که منتهای احترام فردوسی را بزُن مجسم میسازد در جائی فردوسی سخن از همسر خود بمیان آورده یعنی در مقدمه داستان معروف بیژن چنین فرماید:

بدان سرو بن گفتم ای ماهرو	مرا امشب این داستان باز گوی
مرا گفتم کنز من سخن بشنوی	بشعر آری از دفتر پهلوی
بگفتم بیا ای بت خوب چهر	بخوان داستان و بیفزای مهر
بخواند آن بت مهربان داستان	ز دفتر نوشته گه باستان

و این بمطاب وجود انس و الفت و همکاری را در خانواده شاعر ملی ایران نشان میدهد در داستان سهراب فردوسی عمداً گرد آفرید را زنی دلیر و جنگجوی معرفی میکند و مقصود او اینستکه بنماید که زنان ایران در میدان جانبازی نیز باید همتهای پهلوانان این دیار باشند چنانکه در حق گرد آفرید فرماید:

پوشید درع سواران بچنگ	نماند اندر آن کار جای درنگ
نهان کرد گیسو بزیر زره	بزد بر سر توك رومی گره
فرود آمد از دژ بکردار شیر	کمر بر میان باد پائی بزیر

پس از آن فرنگیس را نیز با همین خصال بزرگ معرفی میکند و حتی عقیدهٔ خود را چنین ظاهر میسازد که زنان ایران در راه دیار گذشته از جان از گنجینه و زیور خویش هم نباید دریغ کنند در داستان دیگر بسی صفات نیکوراز چشم اسکندر در روشنگ جمع دیده چنین فرماید

در او جز بزرگی و آهستگی	خردمندی و شرم و شایستگی
نگه کرد پیدا و چیزی ندید	دلش مهر و بیوند او برگزید

در موقع خطاب فریدون و کیخسرو مادرانشان شاعر مراتب احترامی را که بحکم تاریخ ایرانیان گذشته نسبت به مادر قائل بوده اند با فصاحتی تمام بیان مینماید در تمام این حکایات فردوسی سعی دارد که همیشه زنان را پایه و اساس پیروزیها و اقتدارات شوهران و پسران جلوه دهد گمان میکنم ذکر همین چند نکته مختصر از افکار بزرگترین حکیم ایرانی کافی باشد و بر ما مدلل کند که ما هم در میان بزرگان خود کسانی داشته ایم که با همان چشمی که امروز ملل متمدن دنیا زنها می بینند نگریسته اند و با آنکه او چنین سر مشقهای گرانبھائی را در ازای يك عمر رنج و محنت از بوتہ نسیان بیرون آورده و بدست ما سپرده و معھذا ماتوانستیم ارزش واقعی آنها را دریابیم و روح ملت قوی و هنرمند ایران باستان را در فرزندان خویش زنده ندائیم و در عوض به تقلید نیمه کاره از بیگانگان متمدن نما بر یکدیگر تاسی جسته بنیاد خانمان و شالده زندگی و آتیه خویش را متزلزل میسازیم اینک جای آن دارد که هر يك از ما قدر شناسی خود را نسبت بروح پاك فردوسی بدینگونه آشکار کنیم که زندگی خود را به پیروزی افکار بزرگ او بر اساس شجاعت روحی، مهربانی از خود گذاشتگی و همراهی با مردان استوار کرده بکوشیم تا سعادت خانمان خود و جامعه امروزی و شادی روان فردوسی را فراهم نمائیم و در جشن هزار ساله او که تا سه ماه دیگر منعقد میشود ما زنان بکوشیم که حتی بر مردان خود سبقت بگیریم